

## پلیس کودکان و نوجوانان در حقوق کیفری ایران و انگلستان

محمود ولی زاده<sup>۱</sup>

اصغر عباسی<sup>۲</sup>

مهدی اسماعیلی<sup>۳</sup>

### چکیده

جامعه جهانی وبه خصوص ایران در طول چند دهه اخیر، شاهد تغییرات قابل توجه در عرصه های مختلف بوده است. نهاد قضایی که در آن پلیس، قاضی و فرآیند دادرسی بر پایه اصول اساسی حقوق کودک بنا شده باشد، قطعاً نسبت نزدیک تری به اجرای صحیح عدالت خواهد داشت. از گام های موثر در احقاق حقوق کودکان در ایران، پیش بینی پلیس اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است، اما متأسفانه تاکنون پلیس اطفال تشکیل نشده است. در اکثر کشورهای متریقی، با توجه به ویژگی های زنان، وجود آنهادر دادگاه های کودکان، مددکاری، پرستاری و ضابطین ویژه ی قضایی در امر کودکان، جدی گرفته شده است تا جایی که پلیس زن در اجرایی وظایف قضایی کودکان و نوجوانان نقش بسزایی به عهده دارد. نیاز به وجود پلیس زن به عنوان یکی از واحدهای تخصصی پلیس ضرورت اجتناب ناپذیر وضعیت اجتماعی معاصر ایران است. در اکثر کشورهای متریقی از جمله بریتانیا، با توجه به ویژگی های زنان، وجود آنهادر دادگاه های کودکان و ضابطین ویژه قضایی در امر کودکان، جدی گرفته شده است تا جایی که پلیس زن در اجرایی وظایف قضایی کودکان نقش بسزایی به عهده دارد.

**واژگان کلیدی:** «پلیس، کودکان، نوجوانان، حقوق کیفری، انگلستان»

### مقدمه

با بررسی در جوامع کنونی نگرانی خاص و فزاینده ای دربارهٔ مخدوش شدن حقوق کودکان زیر ۱۸ سال وجود دارد. به خصوص کودکانی که در معرض سوءظن یا اتهام ارتکاب به جرم، ناگزیر در تماس با نظام قضایی قرار می گیرند. روش های سیاستگذاری و اجرایی مربوط به دادرسی نوجوانان از اهم اولویت های حفظ حقوق کودکان است که بسیاری از کشورها واقعیت های مربوط به آن را کتمان می کنند. قواعد خاص ناظر بر شیوه برخورد با متخلفان جوان در اسناد کشورها غالباً بین المللی الزام آور و غیر الزام آور مورد تصویب و پذیرش قانونی دولت ها قرار گرفته است، لیکن پذیرندگان با اجبار رسمی به اجرای این اسناد مواجه نمی باشند. تعیین سنی که در آن می توان یک نوجوان را از نظر عقل و منطق دارای مسئولیت کیفری دانست، رعایت حداقل الزامات برای تضمین روند قضایی مناسب، حق به رسمیت شناخته شده هر فرد متهم به بزه یا جرم برای یک محاکمه عادلانه است.

کودک به معنای فرزند نابالغ از زمان ولادت تا رسیدن به مرز بلوغ می باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۴۵۹) از میان مراحل مختلف روند دادرسی ویژه نوجوانان در مرحله مواجه شدن با بدترین شرایط نقض معیارهای مربوطه وجود دارد. دستگیری یا بلافاصله بعد از آن، بیشترین احتمال تخصص و آموزش پلیس و تخصیص منابع برای تدارک پلیس ویژه اطفال در این مورد به خصوص راهگشا است. وجود چنین نهاد حمایتی مؤثر موجب می شود از یک سو، نوجوان مسئولیت اقدام غیرقانونی خود و نیز

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری دانشگاه آزاد اسلامی آمل

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی چالوس

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی قاءم شهر

مواجهه با پیامدهای آن را بپذیرد، و از سوی دیگر، سرعت برخورد با عمل معارض قانون بالا رفته، فرآیند رسیدگی و تخلف مربوطه به جای آنکه از نظر زمانی از هم منفک باشند، ارتباط مؤثر و بازدارنده پیدا کنند.

پلیس به مثابه یکی از سازمانها و نهادهای اجتماعی؛ جایگاه ویژه و منحصر به فردی در ایجاد نظم و انتظام امور جامعه و حفظ امنیت آن دارد. بی توجهی پلیس به تغییرات یاد شده و عدم انطباق با آن، موجب ناکارآمدی آن در شرایط جدید گردیده و می تواند امنیت اجتماعی را به عنوان اولین و ضروری ترین نیاز اساسی انسانها و جوامع، تحت تأثیر قرار دهد. سازمان جدید پلیس در ایران از جمله پدیده های دوران معاصر است که روند شکل گیری و تطور سازمانی آن، برخاسته از الگوسازی های خارجی و تا حدودی، از نیازهای درونی جامعه ایران دور بوده است. تحقیق و بررسی در سیستم جدید دادرسی اطفال در کشور انگلستان نشان می دهد که با عنایت به تغییر و تحولات سیاستگذاری در زمینه بزهکاری اطفال، در نهایت منجر به تصویب دو قانون مهم جرم و بی نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹ شد که تغییرات گسترده ای در سازمان دادرسی اطفال ایجاد نمودند که در ساختار عملیاتی پلیس ایران می تواند نقش آفرینی نماید. حضور و مشارکت گسترده زنان در مشاغل خاص همچنین لزوم برخورد متناسب با طبیعت زنان و به ویژه رعایت آموزه های دینی و جرائم کودکان و نوجوانان وجود یک واحد پلیسی مبتنی بر جنسیت را ضروری ساخته است .

پیچیدگی موضوعات و مقتضیات فعالیت پلیس در جامعه متحول شده امروزی از یک سو و تنوع و پیچیدگی در جرم از سوی دیگر مستلزم تعمیق دانش، بینش و مهارت های تخصصی بیش از پیش بوده و حرفه ای گرایی در پلیس را اجتناب ناپذیر ساخته اند به تناسب پیشرفت و توسعه فناوری، پلیس نیز در هریک از عرصه های مأموریتی خود و به مقتضای تخصصی بودن آنها می بایست از ظرفیت ها، توانمندی ها و قابلیت های متناسب با آن پیشرفت ها و مأموریت ها بهره مند گردد، بر این اساس، تشکیل پلیس های تخصصی در دستور کار نیرو قرار گرفته و با تعیین رشته های شغلی و راه اندازی دانشکده های تخصصی در دانشگاه علوم انتظامی و تجدیدنظر در سازماندهی واحدهای آموزشی زمینه لازم برای تشکیل آنها فراهم گردیده است.

معرفی پلیس کودکان و نوجوانان از جمله عناوینی است که می توان ضرورت آن را درناجا بررسی کرد. جامعه جهانی وبه خصوص ایران در طول چند دهه اخیر، شاهد تغییرات قابل توجه و شگرف در عرصه های مختلف بوده است. در گذشته های دور، هریک از این تغییرات در دوره های تاریخی طولانی و برخی از آنها نیز با سپری شدن تجربه های یک نسل رخ داده اما طی دوران اخیر، تغییرات اجتماعی به صورت پی در پی و بسیار سریع اتفاق افتاده اند.

این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، ضمن تحلیل و بررسی هر یک از این الگوها و تعیین ویژگی های هر الگو، تلاش می کند تا الگوی حاکم بر نظام کیفردهی در ایران و انگلستان را شناسایی نماید. نظام قضایی انگلستان به دلیل مبتنی بودن بر رویه های کیفردهی متنوع و تحولاتی که در دهه های اخیر در راستای نظام مند کردن رویه های کیفردهی شاهد بوده است، از حیث مطالعه تطبیقی در این حوزه واجد اهمیت است. همچنین به جهت مشابهت نظام های کامن لا، گاه مثال هایی نیز از کشورهای دیگر نیز ارائه شده است. در گذشته های دور، هریک از این تغییرات در دوره های تاریخی طولانی و برخی از آنها نیز با سپری شدن تجربه های یک نسل رخ داده اما طی دوران اخیر، تغییرات اجتماعی به صورت پی در پی و بسیار سریع اتفاق افتاده اند.

به تدریج و با پیشرفت جوامع و ایجاد تمدنهای بزرگ، این مسئله مورد توجه قرار گرفت که کودکان جدای از بزرگسالان در ارتکاب اعمال مجرمانه خویش فاقد سوء نیت بوده و به عبارتی ارتکاب جرم از ناحیه آنان تنها به صورت یک خطا و اشتباه قابل اغماض باید مورد توجه قرار گیرد که این امر با ظهور مسیحیت که عطفوت و نیکوکاری را مد نظر داشت، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. (حجتی، ۱۳۸۰: ۱۴)

طفولیت (کودکی) از بسته شدن نطفه آغاز می گردد و به بلوغ ختم می شود. شرایط فیزیولوژیک زمینه ساز ارتکاب جرم برای طفل نیست، از آغاز سنین ۷ یا ۸ سالگی است که احتمالاً ممکن است مسائل مجرمانه مطرح شود، لیکن عمدتاً از آغاز نوجوانی است که این مسایل ممکن است به صورت جدی درآید در عمل بزهکاری از حدود دوازدهمین زندگی آغاز می گردد، لیکن تا سن ۱۶ سالگی نسبتاً ضعیف است و در بین سنین ۱۶ تا ۱۸ سالگی بزهکاری خود را مستقر می نماید. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۷)

قانون مجازات جدید ضمن آنکه همچون گذشته سن مسئولیت کیفری را برای دختران ۹ تمام قمری قرار داده، تلاش کرده، با تفکیک مسئولیت کیفری اطفال در حدود و قصاص و تعزیرات تا حدودی مشکلات را کاهش دهد. بدین جهت در این قانون نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری پذیرفته شده است؛ یعنی در حالی که در جرایم تعزیری سن مسئولیت کیفری ۱۸ شمسی تعیین و قائل به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی شده است، اما در جرایم حدود و قصاص، سن ۹ و ۱۵ قمری را ملاک قرار داده و همان مسئولیت را برای دختران ۹ قمری به بالا قائل است.

یکی از نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری، ایجاد پلیس ویژه اطفال است. ضرورت و مزایای تشکیل چنین پلیسی، تدوین کنندگان لوایح پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه های اطفال و نوجوانان و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را بر آن داشته است که تاسیس چنین نهادی را پیشنهاد کرده و البته لایحه ای مستقل در این زمینه تصویب کنند. در ماده ۵۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نیز صراحتاً اعلام شده است که به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل می شود. بنابراین بر اساس ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شود.

### ۱- پلیس و کارکرد آن در اجتماع

پلیس مترادف پاسبان، شهربانی و نیز مجموعه مقرراتی است که دولت در جامعه اجرا می کند به منظور نظم و آرامش و امنیت کشور. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۱۰۸۱) تغییرات ماهوی دولت و جامعه در جهان جدید در سایه تحولات اجتماعی، رابطه دولت و جامعه را هم دگرگون ساخته است که این رابطه بر مبنای مفهوم شهروندی تعریف شده است. شهروندی از یکسو متضمن حقوق و امتیازات و از سوی دیگر واجد وظایف و تعهدات می باشد. یکی از نهادهایی که واسطه بین دولت و مردم می باشد، پلیس است. بر این اساس کارکرد پلیس دارای دو جنبه می باشد هم واجد اقتدار اجباری است و هم خدمتگذاری، لیکن امر مهم برقراری تعادل و جلوگیری از افراط و تفریط در هر دو بعد می باشد. مسائل پلیس جدید نه فقط مربوط به نیروهای انتظامی، مسائل امنیتی است بلکه هم چنین مربوط به روشهای متنوع حل برخوردهای اجتماعی است. سیاست های کلی جامعه به عنوان یک راهبرد باید قابل محاسبه تر کردن اقدامات پلیس و رشد بیشتر دخالت عموم را مدنظر قرار دهد و لازم است بر همکاری فنی در خصوص نیروهای انتظامی به عنوان یک ابزار مهم توسعه مؤثر همکاری سیستم های انتظامی تأکید شود.

با توجه به تغییرات اجتماعی، دیگر نمی توان از یک واحد پلیس انتظار داشت تا به تمام اتفاقات و جرائم در حوزه های مختلف تسلط داشته باشد. بنابراین تخصصی شدن کارکرد پلیس، ضروری می باشد. بر این اساس برای امور مختلف به خصوص در زمینه های اجتماعی، تخصص های جدیدی مورد نیاز است تا بتوان از آن طریق، توقع جامعه را از یک پلیس فعال و کارآمد برآورده ساخت. به هر حال ایجاد پلیس های تخصصی و به ویژه پلیس کودکان و نوجوانان در عرصه تغییرات اجتماعی، میتواند پلیس را در ایفای وظائف و مأموریت های محوله یاری نماید.

### ۱-۱- ضابطین دادگستری

حداقل قواعد استانداردها در سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال به لحاظ ظرافت خاص و حساسیت مسایل مربوط به مرحله مقدماتی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، تعقیب و تحقیقات ناظر به مرحله مزبور را به عهده ضابطان ورزیده و آموزش دیده و متبحر و مسلط امکان پذیر دانسته است. موضوع ضابط دادگستری به دلیل اینکه اولین برخورد مقام قانونی با جرم است همواره مورد بحث و توجه حقوقدانان بوده و در برداشت قانونی از این کلمه اختلافات زیادی داشته و دارد. کلمه ضابط قریب یکصد و دوازده پیش در متون حقوقی با نام قوانین موقتی محاکمات جزائی ظاهر شد که از نحوه تنظیم و تدوین این قانون، همچنین علت موقت بودن آن می گذریم. (آقائی نیا، ۱۳۹۴: ۹۲) هرچند قانون آئین دادرسی کیفری دادستان و بازپرس را در عداد ضابطین دادگستری بشمار آورده و حتی دادستان عمومی را رئیس ضابطین دادگستری معرفی کرده، ولی باید توجه داشت که وظیفه خطیر دادستان تعقیب جرائم و وظیفه مهم و اساسی بازپرس انجام تحقیقات مقدماتی و جمع آوری دلایل له و علیه متهم است. (آخوندی، ۱۳۹۴: ۳۱)

## ۲-۱- ضابطان دادگستری و تکالیف آنها در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ اصلاحی ۹۴/۳/۲۴ ضمن تعریف ضابط دادگستری و مشخص کردن مصادیق آن به بیان تکالیف آنها پرداخته است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ فصل دوم از بخش دوم خود را به ضابطان دادگستری و تکالیف آنان اختصاص داده است. این فصل مواد ۲۸ تا ۶۳ قانون مذکور را در بر می‌گیرد. سلب مجوز تحقیقات مقدماتی توسط ضابطین از اطفال و نوجوانان حتی در جرائم مشهود و منع قضات از معرفی آنان به زندان از دیگر نکات قابل توجه در این قانون است.

قانونگذار در ماده ۲۸ این قانون در تعریف ضابط دادگستری آورده است: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ماده ۴۲ مقرر می‌دارد که بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

بروز تغییرات ساختاری در نحوه ارتکاب جرائم، گسترش سطح مجرمین به سطوح پایین تر اجتماع مانند کودکان و نوجوانان، باعث گردیده است تا پلیس با این دسته از افراد به نحو تخصصی برخورد نماید. باتوجه به تغییرات اجتماعی، دیگر نمی‌توان از یک واحد پلیس انتظار داشت تا به تمام اتفاقات و جرائم در حوزه‌های مختلف تسلط داشته باشد. بنابراین تخصصی شدن کارکرد پلیس، ضروری می‌باشد.

به هر حال ایجاد پلیس‌های تخصصی و به ویژه پلیس کودکان و نوجوانان در عرصه تغییرات اجتماعی، می‌تواند پلیس را در ایفای وظائف و مأموریت‌های محوله یاری نماید. برخلاف قانون سال ۱۳۹۵ که وظایف کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اطفال به ضابطان دادگستری سپرده شده بود، یکی از نهادهای جدیدی که در زمینه کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اطفال فعالیت می‌کند، پلیس ویژه اطفال است. ضرورت تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون جدید را باید در اهمیت نخستین برخورد نیروی انتظامی با اطفال و نوجوانان بزهکار دانست. برای رعایت همین مصلحت است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۵ وظایف ضابطان دادگستری به قضات دادگاه اطفال واگذار شده است. در قانون ۱۳۹۵ کلیه اقدامات اعم از تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال تمام خورشیدی، به شرط آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی فقط حبس کمتر از ۳ و یا جرم منافی عفت باشد توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که بر طبق قانون به عهده ضابطان دادگستری است، انجام می‌دهد. در غیر این موارد مذکور تعقیب و تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا بر طبق این قانون انجام می‌شود. مطابق تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ تحقیقات مقدماتی تمامی افراد زیر ۱۵ به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است را انجام می‌دهد. کشف بزه بر عهده پلیس می‌باشد که باید بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم اقداماتی را که برای حفظ آثار و علایم جرم و جلوگیری از فرار یا اختفای متهم ضروری است، انجام دهد و مراتب را به دادسرا جهت تصمیم‌گیری‌های اولیه بر حسب مورد اعلام نماید. (آخوندی، ۱۳۶۸: ۱۳۸)

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، ایجاد پلیس ویژه اطفال است. ضرورت و مزایای تشکیل چنین پلیسی، تدوین‌کنندگان لوایح پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را بر آن داشته است که تاسیس چنین نهادی را پیشنهاد کرده و البته لایحه‌ای مستقل در این زمینه تصویب کنند. در ماده ۵۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نیز صراحتاً اعلام شده است که به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود.

اما سیستم جدید دادرسی اطفال در کشور انگلستان به شکلی است که با عنایت به تغییر و تحولات سیاست‌گذاری در زمینه بزهکاری اطفال منجر به تصویب دو قانون مهم جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹ شد که تغییرات گسترده‌ای در سازمان دادرسی اطفال ایجاد نمودند. البته تدوین و ایجاد دادرسی‌های ویژه کودکان و نوجوانان دارای سابقه طولانی نیست و عمر آن از یکصد تجاوز نمی‌کند. تاریخ پیدایش چنین دادرسی‌هایی را باید مربوط به ۱۸۹۹ دانست که دادگاه نوجوانان «کوک کانتی» در شهر شیکاگو تأسیس گردید. (شولراشپرینگورم، ۱۳۷۹: ۱۲)

## ۲- بزهکاری کودکان

تاریخچه اطفال بزهکار و نوجوانان در جوامع اولیه با سرگذشت غم انگیزی همراه بوده است. مسئولیت آن زمان مسئولیت مادی بوده است در این دوران کوششی که در راه سرکوبی جرم بوده توسط قصاص صورت می گرفت و باعث می شود که هیچگونه توجیهی به شخصیت بزهکار نشود و مسئولیت او مطلقاً در نظر گرفته شود.

بزه به معنای جرم و گناه و خطا (عمید، ۱۳۷۴: ۸۶۲) می باشد و بزهکار نیز بصورت گناهکار، خطاکار و مجرم تعریف شده است. (معین، ۱۳۷۱، ۵۲۴) کودک به معنای فرزند نابالغ از زمان ولادت تا رسیدن به مرز بلوغ می باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۴۵۹) نگرانی نسبت به کودکان بطور کلی باعث ایجاد یک فرآیند رسیدگی کیفری ویژه شده است. اگر به مواد آیین دادرسی کیفری در خصوص رسیدگی به جرائم کودکان نگرسته شود، خواهیم دید که قانونگذار تلاش داشته تا با عدم خشونت و رعایت اوضاع و احوال و روحیات کودک قانون وضع کند.

همانطور که تاریخ نگاران و به ویژه «فیلیپ آریس» گفته است، «احساس کودکی، ذهنیت ها را بارور می سازد» باید افزود که کودکی و طفولیت مرحله ای متمایز از زندگی بزرگسالی است و از آنجا که کودکان آسیب پذیر هستند، لذا باید در کلیه زمینه ها بین آنها و سایر اقشار اجتماع تفاوت قائل شد. (مارتینز، ۱۳۸۲: ۲۲۶) معمولاً نقش های خشن و بزهکارانه را افراد زشت صورت ایفاد می کنند و نقش های مثبت توسط افراد جذاب ایفا می شود. بعضی از مطالعات نیز در تأیید موضوع به نتیجه قضاوت های قضات پرداخته اند. یافته های برخی از آنها نشان می دهند تمایل قاضی در تأیید بیگناهی افرادی است که از جذابیت ظاهری بیشتری برخوردارند. (مشکانی، ۱۳۸۴: ۱۹۴۵)

با توجه به موضوع بزه دیدگی کودک مطالعه نقش او در فرآیند فعلیت یافتن اقدامات و فعالیت های مجرمانه در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی به اندازه ای نقش بزهکار در وقوع جرم اهمیت دارد. در علت شناسی جنایی، بزه دیده میتواند یکی از شرایط مناسب وضعیت ما قبل جنایی باشد. انزوای بزه دیده، رفتارهای تحریک آمیز و وانمودکننده و یا بی احتیاطی ممکن است از او یک وضعیت ماقبل جنایی مناسب برای تحقیق جرم فراهم آورد. (عباچی، ۱۳۸۰: ۷۰)

## ۲-۱- پذیرش مسئولیت کودکان در قانون جدید مجازات اسلامی

یکی از ایراداتی که همواره منادیان حقوق بشر و حقوق کودکان به قوانین ایران می گرفته اند سن مسئولیت کیفری بوده که در قانون جدید اصلاحاتی در این زمینه صورت گرفته است. سن مسئولیت کیفری اطفال را باید یکی از چالش برانگیزترین مباحث حقوقی مربوط به حقوق کودک در ایران دانست؛ از یک سو با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی بر قوانین موضوعه و تبعیت قانونگذار ایرانی از نظریه مشهور فقهای شیعه در تدوین و تصویب قوانین موضوعه، تعیین سن خاصی به عنوان سن بلوغ شرعی، مبنای شناسایی سن مسئولیت کیفری برای اطفال بزهکار شده است و از سوی دیگر الحاق ایران به برخی کنوانسیون ها و میثاق های مختلف بین المللی و لزوم عدم تعارض قوانین داخلی با مقررات مندرج در این کنوانسیون ها مسائلی به وجود آورده که قانونگذار ضروری دید در این مورد تغییراتی ایجاد نماید.

قانون مجازات جدید ضمن آنکه همچون گذشته سن مسئولیت کیفری را برای دختران ۹ تمام قمری قرار داده، تلاش کرده، با تفکیک مسئولیت کیفری اطفال در حدود و قصاص و تعزیرات تا حدودی مشکلات را کاهش دهد. بدین جهت در این قانون نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری پذیرفته شده است؛ یعنی در حالی که در جرایم تعزیری سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال شمسی تعیین و قائل به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی شده است، اما در جرایم حدود و قصاص، سن ۹ و ۱۵ قمری را ملاک قرار داده و همان مسئولیت را برای دختران ۹ قمری به بالا قائل است.

## ۲-۲- پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان

جرم شناسان در خصوص آثار سوء رسیدگی به جرایم اطفال به صورت غیر تخصصی و همراه با مجرمان بزرگسال و سابقه دار بسیار سخن گفته اند. در حقوق کیفری ایران نیز اولین بار در ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار که صلاحیت رسیدگی

به جرایم اطفال بین ۶ تا ۱۸ را داشت، تاسیس شد اما پس از انقلاب، قانونگذار رسیدگی به جرایم اطفال را تابع قواعد عمومی و همراه مجرمان بزرگسال قرار داد و تمایلی به ایجاد محاکم اختصاصی از خود نشان نداد. البته این تصمیم دوام نیاورد و در نهایت به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸، شعب تخصصی از محاکم عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص یافت. قانون جدید مجازات اسلامی نیز به طور خاص رسیدگی به جرایم کودکان را مورد توجه قرار داده است؛ اتفاقی که مزایای زیادی برای آن شمرده شده است.

کنوانسیون حقوق کودک به عنوان مهم ترین سند بین المللی که امروزه تقریباً همه کشورهای دنیا به آن ملحق شده اند در ماده یک خود، کودک را فرد کمتر از ۱۸ معرفی کرده است. رویکرد فعلی نظام حقوقی ما نیز به سمت پذیرش سن ۱۸ سالگی می رود، آن گونه که در برخی لوایح جدیدی که هنوز به تصویب نهایی نرسیده اند، سن ۱۸ سالگی ملاک پایان دوران کودکی قلمداد شده است.

با این حال با توجه به مراحل شکل گیری شخصیت کودک و جامعه پذیری تدریجی وی، متخصصان قائل به طبقه بندی و تفکیک دوران کودکی از بدو تا ختم آن شده اند به نحوی که در هر دوره حقوق و مسئولیت هایی را برای وی لحاظ کرده اند. وی ادامه می دهد: در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش سن ۱۸ سالگی به عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم بندی دیگر نیز داشته به نحوی که دوره کودکی و نوجوانی به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است. این در حالی است که به موجب قانون سابق، طفل در تبصره یک ماده ۴۹، به عنوان فردی که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده است، تعریف شده بود. در قانون جدید ضمن اینکه سن کودک را تا ۱۸ سالگی معرفی کرده با ارائه تعریف سن بلوغ، مسئولیت کیفری را برای گروهی از اطفال و نوجوانان شناسایی کرده است.

در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۹۲ با پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه بندی جرایم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم. با بررسی مفید بودن یا نبودن این تحولات، در قانون جدید مجازات مصوب ۹۲، خصوصاً در جرایم تعزیری که مسئولیت تدریجی پذیرفته شده، تفکیک میان دختر و پسر از بین رفته و مجازات بدنی مانند شلاق حذف شده است. در قانون جدید تعویق صدور احکام اطفال و فقدان آثار محکومیت کیفری نیز پذیرفته شده که تحولات مثبتی به حساب می آید. منظور از سن مسئولیت کیفری، سنی است که کودکان تا قبل از رسیدن به آن سن از مسئولیت کیفری مبرا بوده و نمی توان با آن برخورد جزایی نمود. (حجتی، ۱۳۸۰: ۲۰)

## ۲-۳- حدود مسئولیت جزایی اطفال

قانون راجع به مجازات اسلامی فصل هشتم خود را به حدود مسئولیت جزایی اطفال اختصاص داده است. عنوانی که ظاهر نمودار شناخت قلمرو مسئولیت کیفری، حدود و ثغور و نیز محدودیت های آن است ولی با دقت در مواد مختلف این فصل (مواد ۲۶ تا ۲۷) می توان گفت که حدود مسئولیت جزایی به طور دقیق شناخته نشده و باب تفسیر در متون جزایی را به شکل موسع و به آسانی گشوده است و این باب با اصول مسلم حقوق جزا در تضاد منطقی و قانونی قرار می گیرد.

کودکان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری اند و در صورت ارتکاب جرم ترتیب آنان با نظر دادگاه بر عهده سرپرست قانونی شان و در صورتی که دادگاه تشخیص دهد با کانون اصلاح و تربیت اطفال است. در صورتی که کودک مرتکب قتل یا ایراد صدمه بدنی شود عاقله یعنی بستگاه ذکور نسبی پدر و مادر یا پدر (به ترتیب طبقات ارث) مسئولیت پرداخت دیه را دارند. اما اگر کودک مال دیگری را تلف کند از اموال او خسارت جبران می شود.

مهمترین عاملی که از نظر قانون جرائم اطفال و نوجوانان را از نظر بزهکاری بزرگسالان جدا می کند عامل سن است و تعیین شروع بزهکاری با مطالعه نظریات جرم شناسی و هم چنین قوانین کیفری مرتبط است. از نظر قانون از آن جایی که میزان مسئولیت و مجازات مجرم متناسب با درجه فهم و شعور اوست لذا جامعه باید وی را متناسب با همین مقدار شعور و آزادی اراده مجازات نماید و به خاطر این که اطفال بزهکار به علت صغر سن از فهم و شعور کمتر برخوردار هستند لذا قانونگذار بایستی در میزان مجازات آنان به علت همین کمی سن تخفیف قائل شود. ولی اگر قانونگذار یا دادگاه تشخیص دهد که این طفل با داشتن قوه یقین جرمی را انجام داده و فهم و شعور داشته او را مسئول شناخته و به مجازات محکوم می کند و هرگاه تشخیص دهد که طفل بدون قوه یقین جرمی را مرتکب شده در این صورت طفل را فاقد مسئولیت می داند و او را از مجازات معاف می کند.

### ۳- دادرسی ویژه کودکان در حقوق ایران

در ایران برای اولین بار در قانون تشکیل دادگاه کودکان و نوجوانان بزهکار مصوب ۱۳۳۸ بود که زمینه استقرار یک دادرسی ویژه برای کودکان فراهم آمد. در قانون تشکیل دادگاه کودکان و نوجوانان از حیث حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی، تغییرات و تحولات بسیاری پیش بینی شده است. در این قانون علاوه بر ایجاد نهادهای خاص در امر رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان و نیز اصلاح و تربیت آنان، آیین دادرسی ویژه ای نیز پیش بینی شده بود.

این نهادها عبارت بودند از تشکیل دادگاه کودکان در مرکز هر شهرستان و نیز ایجاد کانون اصلاح و تربیت در کنار دادگاههای مذکور، در مورد دادرسی کودکان و نوجوانان در این قانون برخی مقررات متفاوت با دادرسی بزرگسالان مانند غیر علنی بودن رسیدگی، عدم افشای هویت کودک، ممنوعیت انتشار جریان دادگاه از طریق مطبوعات و فیلم برداری، ممنوعیت ضابطان دادگستری از انجام تحقیق و غیره پیش بینی شده بود. (آشوری، ۱۳۹۵: ۴)

با این حال باید گفت که امکان اجرای قانون تشکیل دادگاه کودکان و نوجوانان بزهکار تا ۱۳۴۷، یعنی ۱۰ سال پس از تصویب آن و مصادف با زمانی که آیین نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت تهیه شد، بطور کامل وجود نداشت. پس از تهیه آیین نامه مذکور، تنها در برخی از شهرهای ایران، کانون اصلاح و تربیت تشکیل شد. این قانون تا ۱۳۶۴، یعنی تاریخ صدور رأی وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، به طور کم و بیش اجرا می شد.

پس از صدور رأی وحدت رویه یاد شده، رسیدگی به جرائم کودکانی که به سن بلوغ شرعی (۹ تمام قمری برای دختران و ۱۵ تمام قمری برای پسران) رسیده باشند همانند بزرگسالان و حسب اتهام وارد شده به دادگاههای کیفری ۱ و ۲ سپرده شد و بر این اساس اجرای قانون تشکیل دادگاههای کودکان در عمل متوقف شد. از آن پس تنها با لازم الاجرا شدن قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۵ بود که رسیدگی به جرائم کودکان در صلاحیت برخی از شعب دادگاههای عمومی قرار گرفت که برای رسیدگی به کلیه جرائم کودکان اختصاص داده شده بود. بطور کلی اختصاص چنین شعبی را نمی توان نمایانگر شکل گیری یک دادرسی ویژه برای کودکان و نوجوانان، در قانون مذکور دانست.

دادگاه ویژه اطفال طی سالهای گذشته نیز وجود داشته و مسئولان آن آموزشهای لازم را در چگونگی برخورد با اطفال بزه کار و بهره مندی از مجازاتهای جایگزین برای اصلاح دیده اند تا رویکرد حمایتی جایگزین فرآیند سرکوبگرانه باشد. با تصویب این لایحه دیگر اختیار به الزام موارد ذکر شده تبدیل به قانون میشود و به طور حتم مثبت خواهد بود.

هم اکنون مباحث آزار جنسی اطفال به شکل زنا، لواط و غیره به قانون مجازات اسلامی بر میگردد و دادگاهها به لحاظ شرعی نمیتوانند بدان ورود پیدا کنند. همچنین باید به موازات پیگیری حقوقی این لایحه، روشنگریهای زیادی در جامعه در راستای حقوق اطفال صورت پذیرد و در این امر نهادهای مردمی میتوانند بسیار تأثیرگذار باشند. هم اکنون هر چند که تحصیل نکردن کودکان به اجبار والدین جرم شناخته میشود اما پیگردی قانونی در این زمینه صورت نمیپذیرد؛ بر همین اساس باید مکانیزمهای حمایتی دولتی، اجتماعی و نهادهای سازمانهای جامعه مدنی به پیشبرد اهداف قانونی کمک کنند.

نهادهای قضایی پیش بینی شده در این قانون عبارتند از: دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، دادگاه خاص کودکان و نوجوانان و دادگاه تجدیدنظر اختصاص یافته به جرائم کودکان و نوجوانان. نهادهای غیر قضایی نیز شامل مددکاری اجتماعی و پلیس ویژه کودکان و نوجوانان است. چنین اقدامی تنها به منظور خنثی کردن برخی فشارهای بین المللی و بطور ویژه کمیسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد صورت گرفته بود، چرا که این کمیسیون هر ساله ایران را به دلیل نقض کنوانسیون حقوق کودک محکوم می کرد. در این راستا بود که تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۵ فصلی را به تربیت رسیدگی به جرائم کودکان اختصاص داده بودند که به کلیه جرائم کودکان و اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ تمام در شعب اختصاص یافته به جرائم کودکان رسیدگی شود.

از جمله موارد تأثیرگذار در پیشگیری اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادی و در نتیجه معشیت خانواده است. از آنجا که امنیت و رفاه افراد جامعه در بهبود شرایط زندگی آنها نقش بسزایی دارد، قانون اساسی در اصول مختلف سیاستهای اقتصادی را در جهت بهبود وضعیت معیشتی مردم و رفع فقر و نابرابری مقرر نموده است. (مدنی قهفرخی وزینالی، ۱۳۹۰، ۵۶) به عنوان

مثال در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی آمده است: «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق شرایط اسلامی جهت رفاه و دفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینهای تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه از وظایف دولت است.» از آنجا که تاکنون نهاد خاصی در پلیس کشور ما متولی امور مربوط به کودکان و نوجوانان نبوده است، لذا صرف طرح ساختار پلیس کودکان و نوجوانان در سایر کشورها می تواند متخصصین و صاحب نظران امر را به استفاده از تجارب و آموخته های نظری و کاربردی آنان در طرح پیشنهادی تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان در ایران یاری رساند.

#### ۴- سیستم جدید دادرسی اطفال درکشور انگلستان

با عنایت به تغییر و تحولات سیاستگذاری در زمینه بزهکاری اطفال که منجر به تصویب دو قانون مهم جرم و بی نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون دادرسی اطفال و دلایل جزایی مصوب ۱۹۹۹ شد تغییرات گسترده ای در سازمان دادرسی اطفال ایجاد نمودند. سیستم جدید دادرسی اطفال اهداف جدیدی را در پیش گرفته و در جهت حصول آنها ارکان و اجزای جدیدی را پدید آورد که شامل سازماندهی گسترده ای در سطوح ملی و محلی می باشد. همچنین ابتکاراتی در برخورد با عوامل اجتماعی که منجر به بزهکاری اطفال می گردند، به عمل آمد.

قانون جرم و بی نظمی تغییراتی در رویکردی که نسبت به بزهکاری نوجوانان اتخاذ می نماید، مداخله روانشناختی- اجتماعی زودرس، پیشگیری اولیه و پیشگیری از تکرار جرم تکیه می کند. «مداخله روان شناختی- اجتماعی زودرس آنسبت به اطفال] مبتنی بر وجود عوامل خطر است که می توان آنها را مجموعه ای از شرایط فردی و اجتماعی تعریف کرد که بروز و استمرار رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان مساعد می کنند

با توجه به اینکه پیشگیری زودرس در فرایند رشد اطفال مداخله می کند، به این نوع پیشگیری، پیشگیری مبتنی بر رشد و توسعه و یا پیشگیری از بزهکاری مزمن در قالب توسعه و رشد قوای فکری طفل نیز می گویند. این نوع پیشگیری جنبه فنی و تربیتی دارد. «اختلالات رفتاری و روانی طفل هدف قرار می گیرد؛ قدرت شناخت و تمیز طفل تقویت شده و مانع عقب ماندگی شخص می شود. این اختلالات رفتاری ممکن است ناشی از قصور والدین در تربیت طفل، قصور اولیای مدرسه در تعامل با طفل و یا ناشی از تعامل قهرآمیز و منفی بین نوجوانان و گروه دوستان و همسالان باشد.» تعامل قهرآمیز موجب فقر تجهیزات شناختی-تربیتی، فقدان قوه تمیز و عدم درک نتایج عمل می شود. این امر موجب می گردد فرد در بزرگسالی فاقد تصور و انتزاع باشد و چنین افرادی نمی توانند میان عمل مجرمانه و مجازات رابطه برقرار کنند.

#### ۴-۱- پلیس کودکان و نوجوانان در حقوق کیفری ایران و انگلستان

با توجه به اینکه به موجب اصلاحات اخیر در قوانین انگلستان سن مسوولیت کیفری از ۱۴ سالگی به ۱۰ سال رسیده است، این سوال مطرح می شود که چنین رویکردی تا چه حد با مقررات منطقه ای و بین المللی تطابق و یا تعارض دارد. اگرچه هیچ سند فراملی به طور مستقیم به سن مسوولیت کیفری نمی پردازد؛ اما ردپای این مفهوم را در برخی اسناد و کنوانسیونها می توان دید. تا ۱۹۹۸ رویکرد حقوق انگلستان در مورد مسوولیت کیفری اطفال، در نظر گرفتن اماره های عدم رشد بود. بدین ترتیب که در مورد اطفال زیر ده اماره غیر قابل رد عدم رشد وجود داشت که خلاف آن به هیچ وجه قابل اثبات نبود. در مورد اطفال ۱۰ تا ۱۴ ساله اماره قابل رد عدم رشد وجود داشت و در صورتی که دادستان رشد جزایی طفل را اثبات می نمود، اماره رد شده و طفل واجد مسوولیت شناخته می شد.

اصولا اصلاحات اخیر حقوق انگلستان دست مقامات قضایی و اجرایی را در انتخاب نوع واکنش اجتماعی قابل اجرا نسبت به بزهکاری اطفال و نیز شیوه اجرای آن بسیار باز گذاشته است و اختیارات متنابهی به این مقامات داده است که نمونه بارز آن کاهش سن مسوولیت کیفری از ۱۴ سالگی به ۱۰ سال و نیز کاهش سن اعمال مجازات حبس می باشد. این تغییر و تحولات بر پایه اعتماد و اطمینان به مجریان عدالت کیفری صورت گرفته و در حقیقت نتیجه مطالعات کارشناسی گسترده ای که در جهت انجام تغییرات اخیر صورت گرفته است، ارتباط تنگاتنگ با چگونگی انجام وظیفه این مجریان دارد.



ایراد عمده این راهکار، رها سازی اطفال به حال خود در پشت مصونیت ناشی از وجود اماره است. اگرچه اطفالی که فاقد رشد جزایی می باشند، قابلیت مواخذه و عقاب به جهت رفتارهای ارتكابی را بصورت مطلق و یا نسبی نداشته و از این حیث قابل مجازات نمی باشند؛ ولی آیا بایستی چنین اطفالی را در جامعه رها نموده و منتظر رسیدن آنها به رشد جزایی شویم؟ در قوانین جدید قراری چون قرار ویژه والدین را مشاهده می کنیم که هیچ گونه الزامی برای طفل بزهکار ایجاد ننموده و والدین وی را ملزم به انجام اقداماتی می نمایند و نیز قرارهای حمایت از کودک و طرح ممنوعیت رفت و آمد شبانه که جهت دور کردن طفل از محیط جرمزای محلی وضع شده اند. همچنین می توان به قرار ویژه رفتارهای ضد اجتماعی اشاره داشت که جهت جلوگیری از تبدیل رفتارهای ضد اجتماعی به اعمال مجرمانه و شکل گیری عادات مجرمانه وضع شده اند و اعمالی که به موجب این قرارها ممنوع می گردند فی نفسه جرم نبوده اما می توانند روند شکل گیری عادات مجرمانه را تسهیل و تسریع نمایند.

#### ۴-۲- پلیس اطفال در انگلستان

در حقیقت از همان کودکی ، نوعی تصور مثبت نسبت به پلیس ، در ذهن ایجاد می گردد و این امر برای موفقیت پلیس در زمینه پیشگیری بسیار مهم می باشد. (رناته، ۱۳۸۱: ۲۹-۲۸) کشور انگلستان برنامه های اجتماعی خود را برای کاهش خشونت در همه اقشار اجرایی کرده تمرکز بر گروه خاصی نداشته است. پلیس انگلستان همزمان که در زمینه پیشگیری از و صرفاً جرایم خشونت آمیز در بین همه افراد فعالیت دارد، برای افرادی که مرتکب جرایم خشونت آمیز شده و همچنین والدین جوانانی که مرتکب رفتارهای خشونت آمیز شده اند، برنامه های اجتماعی اجرا کرده است تا مانع از تکرار خشونت در جوانان شود. لیکن در ایران برنامه های در بعضی از مدارس و به صورت کلی برای همه دانش آموزان اجرایی شده است.

در انگلستان یک نوع از مشارکت جامعه، از طریق گروههای آموزشی مردم پلیس است. یک ابتکار نسبتاً جدید که برای آشنا کردن شهروندان با کار مجریان و حفظ تماس اداره پلیس با جامعه، طراحی شده است. مثلاً اداره پلیس « فارمینگتون » (ایالات کانتیکان ) یکی از این گروهها را برای دستیابی به دو مقصد در ۱۹۹۳ تأسیس کرد. با این هدف که اولاً باعث بهبود ارتباط با جامعه شده و یک منبع ارزشمند برای حل مسئله باشد. ثانیاً به افرادی که توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی را دارند، نشان دهند که مجریان با چه چالشهایی روبرو هستند.

گروه آموزش مردم کلانتری ناحیه بخش « سن لوئیس، اوبیسو » اعضای جامعه را با کار دفتر کلانتری، اخلاقیات مجریان قانون، قوانین جزا، بازپرسی، رویه های گشت زنی، ارتباطات، پیشگیری از وقوع جرم، مبارزه با مواد مخدر و آموزش پیشگیری از مواد اعتیادآور از نزدیک آشنا می کند. نوع دیگری از گروههای آموزش مردمی پلیس با نام « گروههای مردمی پلیس جوانان » را اداره پلیس شهر «آریوگرانده » تأسیس کرده است. این گروه مردم خصوصاً جوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله را با موضوعاتی چون گروههای تبهکار، مواد مخدر، ایمنی و سلاح و امنیت شخصی آشنا می کنند.

در برنامه های انجام شده در انگلستان برای کاهش خشونت و بزهکاری جوانان و نوجوانان، نهادهایی مانند شهرداری، پلیس، والدین، دانشکده ها و دانشگاه ها، گروههای اجتماعی، شورای جوانان و مرکز شبکه جوان، کشیشان، ارائه کنندگان بهداشت روانی، ارتش، رسانه های خبری، بازرگانان و تجار، ساکنان محله ها، سازمانهای مختلف شهری و غیردولتی با یکدیگر همکاری فعال داشته اند و در بعضی از برنامه ها، اجرا کنندۀ اصلی پلیس نبوده است.

در حالی که در برنامه های اجتماعی انجام شده در تهران و سایر شهرهای ایران برای کاهش خشونت صرفاً پلیس دخیل بوده و در رابطه با اطفال، نوجوانان و جوانان، مدارس و آموزش و پرورش با پلیس همکاری داشته اند بیشتر برنامه های اجتماعی پلیس در مدارس ایران مبتنی بر اقدامات پیشگیرانه برای تمامی دانش آموزان به صورت مقطعی بوده است و برای دانش آموزانی که مرتکب بزه شده اند یا در معرض خطر جرم قرار دارند اقدامی صورت نگرفته است؛ در حالی که برنامه های اجتماعی پلیس و مدارس در انگلستان به صورت مستمر و در دو شکل متفاوت اجرا شده است، در شکل اول پلیس برای همه دانش آموزان اعم از بزهکار و غیر بزهکار برنامه هایی مانند افسران کاردان مدرسه پیش بینی کرده است و در شکل دوم به صورت ویژه به دانش

آموزان بزهکار با انجام برنامه‌هایی مانند کنترل دانش آموزان برنامه توسعه اجتماعی از طریق پلیس مدارس و... توجه کرده است. یکی از نکات برجسته برنامه‌ها در شکل دوم، حضور دانش آموزان بزهکار به همراه والدین در برنامه‌های پیش‌بینی شده، است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب و موضوعات مطروحه و بطور کلی شرح و بسط وضعیت حقوق کیفری کودکان و نیز آیین دادرسی حاکم بر کودکان و نوجوانان بزهکار در ایران، متأسفانه علیرغم پیشرفتهایی که در این عرصه شاهد بوده‌ایم، هنوز راه طولانی در هماهنگ‌سازی و انطباق قوانین و ضوابط داخلی مرتبط با موضوع قوانین و مقررات بین‌المللی در پیش داریم. توضیح آنکه تعیین سن بلوغ به عنوان سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان آنان را در معرض اعمال مجازات‌های کیفری سنگین چون اعدام، حبس ابد و غیره قرار می‌دهد. علاوه بر این، عدم پیش‌بینی پاسخ‌های متناسب با رشد تدریجی کودکان و نوجوانان، زمینه را برای اعمال واکنش‌های کیفری یکسان برای آنان فراهم آورده است. در مباحث مربوط به دادرسی، در لایحه مذکور تلاش شده است تا رهیافت‌های تربیتی، ترمیمی رعایت گردد تا بر این اساس از اعمال مجازات‌های حبس جلوگیری شود.

بر این اساس واکنش آموزشی، تربیتی جایگزین شیوه‌های سنتی برخورد با بزهکاری کودکان و نوجوانان می‌گردد که این امر در بستر اجتماع و حتی خود خانواده‌ها شکل خواهد گرفت. موضوع پلیس اطفال چند صباحی است که بار دیگر در محافل مختلف حقوقی و قضایی شنیده می‌شود؛ امری که طی سالیان گذشته هراز گاهی بر لزوم تشکیل نیروهای متخصص در ناجا و قوه قضائیه برای کودکان و نوجوانان تأکید شده اما تاکنون به مرحله عملیاتی نرسیده است.

در خصوص پلیس ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرده است به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی ایران تشکیل خواهد شد؛ لذا تهیه لایحه تشکیل پلیس مذکور برعهده دستگاه قضایی گذاشته شده است. براین اساس تهیه این لایحه در دستور کار معاونت حقوقی قوه قضائیه قرار گرفت و با همکاری کارشناسان نیروی انتظامی و مرکز پژوهش‌های قوه قضائیه، مطالعات گسترده‌ای در این خصوص انجام شد. کارهای تحقیقاتی لایحه مناسب و مطلوبی در کشورهایی که دارای پلیس اطفال و نوجوانان هستند؛ انجام شده و نهایتاً پلیس اطفال و نوجوانان تهیه شده که مراحل نهایی خود را برای ارسال به ریاست قوه قضائیه طی می‌کند. این پلیس جزئی از نیروی انتظامی است که به عنوان پلیس تخصصی زیرنظر فرمانده ناجا تشکیل می‌شود؛ که نیروهای آن آموزش دیده بوده و باید از شرایط ویژه‌های برخوردار باشند و با نحوه تحقیق از اطفال و نوجوانان معارض قانون و هم چنین چگونگی حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده آشنا باشند.

درباره وظیفه پلیس اطفال و نوجوانان، وظیفه این نیروهای ناجا پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان یا نقض مقررات جزایی از ناحیه آنان است. اقداماتی از قبیل شناسایی اطفال و نوجوانان نیازمند به حمایت، تشخیص آسیب، انجام حمایت‌های اولیه و معرفی آنان به مراجع حمایتی و درمانی، اقدام لازم برای جلوگیری از بروز خطر یا ورود آسیب به طفل و نوجوان در معرض خطر، بزه دیده یا نقض قوانین جزایی همچنین انجام تحقیقات مقدماتی از نوجوانانی که مرتکب جرایم جزایی میشوند از جمله وظایف پلیس اطفال است. در صورت تشکیل پلیس مذکور فقط این نیروها به امور مربوط به اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا ناقض قانون می‌پردازند و سایر نیروها از دخالت در امور آنها خودداری خواهند کرد. این نیروها جزئی از نیروی انتظامی هستند و همانند سایر ضابطین، ضابط دادگستری محسوب میشوند و تحت نظارت دادستان انجام وظیفه خواهند کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اول - کتب

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). دادرسی ویژه نوجوانان در ایران. مجموعه سخنرانی های ارائه شده در سمینار دادرسی ویژه نوجوانان. تهران.
- آقائی نیا، حسین. (سال ۱۳۹۴). بررسی بازنگری نظام حقوقی ناجا (ضابطین دادگستری). به سفارش مرکز مطالعات و پژوهشهای ناجا.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (سال ۱۳۹۵). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد اول و دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حجتی، سیدمهدی. (۱۳۸۰). تحول واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری کودکان. مجله حقوقی و قضائی دادگستری. شماره ۳۵.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۸۷). دادرسی کودکان بزهکار در حقوق تطبیقی. چاپ اول. تهران: نشر میزان. نشر دادگستر.
- شولراشپرینگورم، هورست. (۱۳۷۹). دادرسی نوجوانان در جهان جنبه بین المللی این دادرسی. مجموعه سخنرانی های ارائه شده در سمینار دادرسی ویژه نوجوانان. تهران: منتشر شده توسط معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه و یونیسف.
- عباچی، مریم. (سال ۱۳۸۰). بررسی خلاء های قانونی در زمینه پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران با توجه به اسناد سازمان ملل متحد. تهران: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.
- عمید، حسن. (۱۳۷۴). فرهنگ عمید. جلد دوم. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مارتینز، رنه. (۱۳۸۲). تاریخ حقوق کیفری در اروپا. ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
- مدنی قهفرخی، سعید، زینالی، امیرحمزه. (سال ۱۳۹۰). آسیب شناسی حقوق کودک در ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات نشر میزان.
- مشکانی، زهراسادات، رضوی، سیدمنصور. (۱۳۸۴). بزهکاری به عنوان آسیب اجتماعی. تهران: گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. جلد اول. چاپ هشتم. تهران: انتشارات.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۴). دانشنامه جرم شناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- وینتر، رناته. (۱۳۸۱). دادرسی ویژه نوجوانان، پلیس و مددکاران اجتماعی، ضرورت همکاری. مجموعه سخنرانی های ارائه شده در کارگاههای آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان.
- دوم-مقاله
- حجتی، سیدمهدی. (۱۳۸۰). "تحول واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری کودکان". مجله حقوقی و قضائی دادگستری. شماره ۳۵.
- غلامی، حسین. «الگوها یا گونه های عدالت کیفری اطفال». فصلنامه آموزه های حقوق کیفری ۶ (۱۳۹۲).
- فرزین راد، رویا. (۱۳۸۶). "تبیین حقوقی مسؤولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران". فصلنامه دانش انتظامی. ۹:۱.
- کشفی، سعید، و علی اصانلو. (۱۳۹۰). "پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان". پلیس زن. ۱۵.

کلالی، حسن، و مرتضی نیازخانی. (۱۳۹۱). "طراحی و اعتباریابی الگوی تربیت پلیس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران". پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی ۲۰: ۴-۵.

لباف، فریبا. (۱۳۹۳). "نقش و جایگاه پلیس اطفال در مواجهه با کودک‌آزاری از منظر کارشناسان پلیس و سازمان بهزیستی". فصلنامه دانش انتظامی. ۱۶: ۲.

مهرا، نسرین. (۱۳۸۹). "بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان". آموزه‌های حقوق کیفری. ۱۳.

نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۲). "پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم". مجله حقوقی دادگستری. ۴۵.

نیازخانی، مرتضی، و امیر ملک‌زاده. (۱۳۸۹). "پلیس کودکان و نوجوانان". تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

ب- منابع خارجی

Bartollas and Miller.(۲۰۰۱). Juvenile Justice in America. Third Edition. Published by Prentice Hall.

<http://www.interpol.int/contentinterpol/searchText>. (۱۹۶۸).

Job Description of Juvenile Officer . 2013.

Myers, S.( 2002) ."Police encounters with Juvenile Suspect: Explaining the Use of Authority and Provision of Support. Submitted to the faculty of the School of Criminal

Justice" .University of Albany, in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy.

Police: Handling of Juveniles - Historical Overview and Organizational Structure - Crime, Officers, Policing, and Justice. J. Rank Articles. Available at <http://law.jrank.org/pages/Police-Handling-Juveniles-Historical>

Sherman, L. (1990). "Police Crackdown: Initial and Residual Deterrence". In Crime and Justice, Vol. 12, edited by M. Tonry and N. Morris. Chicago: University of Chicago Press.

Sickmun, Melissa, and Howard N. Snyder. (2006). "Juvenile Offenders and Victims". Available at: <http://www.ojjdp.ojstatbb/nr/downloads/>

UN Standard Minimums for the administration of juvenile justice. 1985.

US Dept of Justice Fact Sheet COPS in School, 2003, Available at: [www.cops.usdoj.gov](http://www.cops.usdoj.gov)

Walker, James W. (1998). "Human resource strategy" .New York, Asia Pacific Journal of Human Resources, Sage Publications.

## **Children and Youth Police in Criminal Law Iran and the United Kingdom**

### **Abstract**

research purpose: In this research, it's been tried to explain and elaborate the principal and legal framework of the children and Juvenile Police in the context of Iranian police structure. Research method: In addition, the children and Juvenile Justice system , both in domestic and international areas has been. research design: The present study has one introduction and some chapters. While considering the issue of children and Juvenile Justice and Juvenile police , comparative study in the United Kingdom country was done. The following results are obtained: By and large , the establishment of children and Juvenile police in Iran is very crucial to the development of this part of government in the field of people oriented activities. Regarding the physical and mental structural juvenile good institutions have created in Police of Iran. The structure of Iran police by using of British police have the ability to adapt to global standards.

Key words: "Police, children ,teenagers, criminal law, England"